

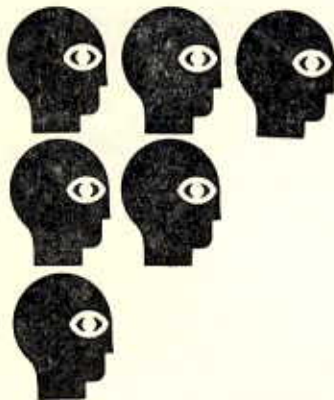
هفته سوم اسفندماه ۱۳۵۲ فیلم «علف» از مرین سی کوپرا را در دانشکده علوم اجتماعی و تعاون دانشگاه تهران دیدم. این سومین باری بود که فیلم «علف» را می‌دیدم و این بار تماشاگران فیلم دانشجویانی بودند که لااقل یکی دو درس در انسان‌شناسی و مردم‌شناسی خوانده‌اند و تیز رشته تحصیلی عده‌ای از آنها انسان‌شناسی است. با توجه به اینکه امروز تهیه فیلمهای مردمنگاری Ethnographique در حوزه علوم اجتماعی و فعالیت‌های فرهنگی اهمیت بسزائی یافته است و در ایران نیز برخی از سینماگران به ذوق آزمائی در این زمینه پرداخته‌اند، بر آن شدم که نوشته حاضر را فراهم آورم بدین امید که برای علاقمندان این سؤال را مطرح کنم که فیلم مردمنگاری چیست؟

تهیه فیلم‌هایی که می‌توان آنها را در رده فیلمهای مردمنگاری جای داد امر تازه‌ای نیست، ولی با اطمینان می‌توان گفت که این کوشش هنوز مراحل اولیه رشد خود را طی می‌کند و هنوز

نادر افشار نادری

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

این گونه فیلمها تا حد زیادی تحت تأثیر نفوذ سنت مردمنگاری اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم قرار دارد. در آن زمان مغرب‌زمین مرکز تمدن و انسان غربی نقطه پرگار تعقل منطقی تصور می‌شد. انسان غیر غربی، به ویژه بومیان سرزمینهای کشف شده توسط غربیها، «وحشی» و «ابتدائی» نام گرفته بودند. داستانها و نوشته‌های سوداگران و مبلغان مذهبی و گزارشهای مأموران سیاسی کشورهای مغرب‌زمین، که از قرن شانزدهم به سرزمینهای جدید رفته بودند، همه گویای «عجایب» و «شگفتیها»ی زندگی بومیان بود. در نیمه دوم قرن نوزدهم، با توجه به نظریه تکامل موجودات داروین، این تصور قوت گرفت که، همپای تکامل موجودات، جامعه‌های انسانی نیز تطور یافته‌اند. و بنابراین زندگی بومیان «وحشی» و «ابتدائی» می‌تواند روشنگر حیات و صور اولیه نهادهای اجتماعی انسان در نخستین مراحل تکامل باشد. در این دوره مردم‌شناسان عجولانه راهی سرزمین‌های جدید شدند



تا پیش از آنکه ، زیر نفوذ استعمارگران غربی ،
بومیان اصالت نهادهای اجتماعی خود را از دست
بدهند به تحقیق دربارهٔ عادات و آداب و رسوم «عجیب»
و «جالب» و «شگفت» انگیز آنها بپردازند و آخرین
صور باقی از جوامع کهن را ، آنطوری که هست ،
ثبت و ضبط کنند .

در اوایل قرن بیستم که سینما نیز نخستین
مراحل تکامل خود را گذرانده بود تصویر متحرک
می توانست کمکی ارزنده برای «ثبت» عینی پدیده های
اجتماعی «انسان ابتدائی» باشد . بعد از جنگ دوم
جهانی معدودی از سینماگران غربی تحت تأثیر سنت
مردمنگاری عصر خود روی به سوی جامعه های
غیر غربی نهادند تا «شگفت ترین» پدیده ها ، یعنی
حماسهٔ نبرد انسان اولیه را با طبیعت بی مهر و بی رحم ،
به روی تصویر فیلم بیاورند .

بر اساس چنین تصویری از انسان غیر غربی است
که کوپر فیلم «علف» را در ۱۹۲۴ از کوچ طایفهٔ
بابا احمدی ایل بختیاری ساخت .

کوپر در کتابی به همین نام «علف»^۲ که داستان
کوچ بختیاری ها یعنی در واقع داستان فیلم او است
می نویسد : «هدف ما این بود که از پیکار واقعی
یک قوم کوچ نشین که علیه نیروی طبیعت و به خاطر
حفظ بقا در جریان است فیلم برداری کنیم» . در صفحهٔ
۴۶ کتاب می نویسد : «اینقدر می دانم که عشایر
ایران از اسرار تاریخ حیات اجتماعی مردم خاورمیانه
هستند» و در صفحهٔ ۴۸ اضافه می کند «وقتی به
سرزمینهای متمدن بازگردم کتابخانه ها را برای
تحقیق بیشتری دربارهٔ قبایل ایران زیرورو خواهم
کرد» .

کوپر زیر نفوذ سنت مردمنگاری عصر خود ،
بدون مطالعهٔ قبلی دربارهٔ کوچ ، و آگاهی به زندگی
عشایر و ساخت ایلی ، در ماه آوریل ۱۹۲۴ به تهیهٔ
فیلم «علف» پرداخت . تا آنجا که مربوط به حماسه -
پردازی است کوپر در کار خود موفقیت کامل دارد .
در مورد «عبور از کارون» می نویسد : «... گذشتن
از این رودخانه واقعاً جنگی است که به بزرگی آن

فیلم مردم شناسی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی

بانگاہی

به

فیلم «علف»

۱ - فیلم «علف» ، Grass ، در سال ۱۹۲۴ به کارگردانی
Merian C. Cooper و فیلم برداری Schoedsack
از کوچ طایفه بابا احمدی ایل بختیاری از مرعیر به رسدیر
تهیه شد .

۲ - کتاب Grass زیر عنوان «سفری به سرزمین
دلاوران» توسط امیر حسین ظفر ایلخان بختیاری به فارسی
برگردانده شده و در سال ۱۳۳۴ بوسیله مؤسسه مطبوعاتی
امیرکبیر به چاپ رسیده است .

در مبارزه با دشواری طبیعت نبردی نمی‌توانم تصور کنم. درست فکرش را بکنید کارون در این نقطه یک کیلومتر عرض دارد. آب آن که در اثر ذوب شدن برف صدها قله کوهستان به وجود آمده، در بستر سنگلاخ و سراسیبی روی هم می‌غلتد و به جلو می‌رود و از سردی به یخ می‌ماند. رودخانه پر از گرداب و جریانهای تند و خطرناک است. آب با شدت از کنار سنگها و لبه تیز صخره‌ها فرو می‌ریزد. نه پلی و نه قایقی در کار است. در یک طرف پنج هزار نفر ایلیاتی با باروبنه و مایملکشان و قریب نیم میلیون چهارپایانشان قرار دارند. تعداد بيشماری زن و بچه و نوزاد همراهشان است. حیوانات هم در فصل بهار بچه دارند و همه این موجودات باید به سرعت وبدون قایق از این آبهای خطرناک بگذرند. در این طرف ساحل چراگاهها از روئیدنی تهی شده و چاره‌ای نیست جز اینکه از آب گذشته به چراگاههاییکه پوشیده از علف و خوراک حیوانات است برسند. این است معمای زندگی این مردم».

به حق باید گفت صحنه‌های عبور از کارون از «جالبترین» صحنه‌های فیلم «علف» است و کوپر از همه فنون سینمایی شناخته شده در آن زمان برای نشان دادن عظمت نبرد سرسختانه انسان با آب‌های سرکش کارون استفاده برده است.

دومین مرحله «حماسه‌ای» فیلم هنگامی آغاز می‌گردد که عشایر به دامنه زردکوه می‌رسند. «در مقابل ما کوهی یکپارچه سنگ به ارتفاع ۵۰۰۰ متر قرار دارد که راه را بکلی سد کرده است. دیواری از سنگ خاره که مستقیماً بالا رفته میان ابرها گم شده است. در اینجا است که ایلات اردو زده‌اند و در انتظارند که فردا از این دیوار عظیم سنگی بالا رفته از آن طرف سرازیر شوند. فکر گذشتن آنهمه زن و بچه و حیواناتی که تا گلوگاه بار کرده‌اند در آن کوه سهمگین ما را به حیرت

انداخته است». «محصور در دیوارهای برفی مردم ایل از کوه بالا می‌رفتند و برای جلوگیری از سقوط و مرگ آنی در خطوط پیچ در پیچ و به آهستگی قدم بر می‌داشتند و سر بالائی راه می‌پیمودند تا به قله برسند». برای عبور از برف که لاقلاً به ارتفاع یک متر سراسر دامنه کوه را پوشانده عده‌ای از مردها جلو می‌افتند، گیوه‌های خود را از پا در می‌آورند و برهنه با پا بیل و کلنگ برف‌ها را به کنار می‌زنند و راهی برای عبور هزاران نفر عشایر و صدها هزار دام و چهارپای آنان باز می‌کنند.

سرانجام سی‌ام مه ۱۹۲۴ پس از چهل و دو روز راه پیمائی، با رسیدن به چراگاههای سرسبز منطقه سردسیر، کوچ عشایر به پایان می‌رسد.

در سال ۱۹۲۴ که کوپر و شودساک دست به تهیه فیلم «علف» زدند هنوز صداگذاری بر روی فیلم معمول نشده بود. هنوز لته‌های مختلف در خدمت سینماگر قرار نداشت و هنوز فیلم با سرعت ۱۸ فریم در ثانیه گرفته می‌شد. این کمبودها کار تهیه فیلم را، آنهم از کوچ عشایر که همه حرکت است، مشکل می‌ساخت. بدیهی است امکان اینکه صدها هزار انسان و حیوان را متوقف کرد تا صحنه‌های مطلوب را فیلم گرفت نیز وجود نداشت. کوپر و شودساک مجبور بودند صبح زود، پیش از آنکه عشایر حرکت کنند، براه افتند و دوربین را در محلی مستقر سازند تا عشایر برسند، از روی روی دوربین بگذرند و دور شوند. در چنین شرایطی فرصت انتخاب محدود است و همین شرایط به ظاهر نامناسب، کوپر و شودساک را مجبور ساخت که کوچ عشایر بختیاری را همانطور که بوده به روی تصویر بیاورند و تا حد زیادی به واقعیت نزدیک شوند.

ولی از سوی دیگر بی‌اطلاعی کوپر از زندگی ایلی و توجه زیان او به «حماسه‌پردازی» و ضبط «جالبترین پدیده‌ها» و سرانجام ناآگاهی او به

رسالت و نقش فیلم‌های مستند مردمنگاری موجب شده است که به‌هنگام تدوین فیلم بتواند تداوم عادی رویدادهای زندگی ایلی را رعایت کند .

فیلم «علف» با صحنه‌ای از کوچ بختیارها در میان کولاک برف آغاز می‌شود و بلافاصله چراگاههای بی‌علف گرمسیر بختیارها به‌روی پرده می‌آید. در یکی از مراحل کوچ، صحنه‌ای از رقص زنهای عشایر را می‌بینیم . در مرحله دیگر مردها درحال چوب‌بازی هستند و در مرحله بعدی عده‌ای سوار بر اسب سوارخوبی می‌کنند .

معمولاً در گرمسیر عشایر، به‌ویژه در گرمسیر طایفه بابااحمدی که درخوزستان واقع است ، برف نمی‌آید . اگر هم برحسب اتفاق برف بیارد چراگاه‌ها بلافاصله « خشک و بی‌علف » نمی‌شوند . رقص و چوب‌بازی و سوارخوبی از پدیده‌های عروسی است و عروسی عشایر بیشتر در گرمسیر و گاهی در سردسیر صورت می‌گیرد و هرگز اتفاق نمی‌افتد که به‌هنگام کوچ ، خانواده‌ای عروسی به‌راه بیاندازند - در يك مرحله زن‌ها برقصند در مرحله دیگر مرد‌ها چوب‌بازی کنند و در مرحله‌ای هم نمایش سوارخوبی بدهند . این صحنه‌ها را در طایفه بابا احمدی ، قبل از حرکت ، برای خوش‌آمد کوپر درست کرده‌اند که فیلم بگیرد و او هم برای افزودن به «زیبائی» فیلم هر صحنه‌ای را در بخشی از فیلم جای داده‌است . در حالیکه اگر با زندگی ایلی آشنائی داشت می‌توانست بدون اینکه به ارتباط متداوم پدیده‌های اجتماعی لطمه‌ای بزند رقص و چوب‌بازی و سوارخوبی را در همان اول فیلم بگذارد .

از این‌ها که بگذریم فیلم «علف» که کوششی است برای نمایش حماسه نبرد انسان با طبیعت سرسخت، خود حماسه‌ای است از کوشش يك کارگردان و يك فیلمبردار برای تهیه يك فیلم مستند . در آن هنگام که هنوز فیلم صامت بود کوپر و شودساک

کوشیدند که سکانس‌ها و تصاویر پر و گویای سختیهای کوچ عشایر باشند . و باید اعتراف کرد که برآستی در اینکار موفق بوده‌اند و هرگز این فیلم صامت ولی پر خروش نیاز به موزیک و گفتار نداشت . ولی سالها بعد از تهیه فیلم که صداگذاری بر روی فیلم معمول شد ، در انگلستان بر روی فیلم «علف» موزیک و گفتار گذاردند . برای موزیک فیلم سمفونی «شهرزاد» از ریسمکی کورساکف را انتخاب کردند و آقای مجتبی مینوی ، ظاهراً بعد از مطالعه کتاب کوپر^۳ و آمیختن طنزی بسیار عامیانه به نوشته‌های کتاب ، گفتار فیلم را تهیه کرده‌است . و گفته‌اند که ای کاش نه آن موزیک بود و نه این گفتار .

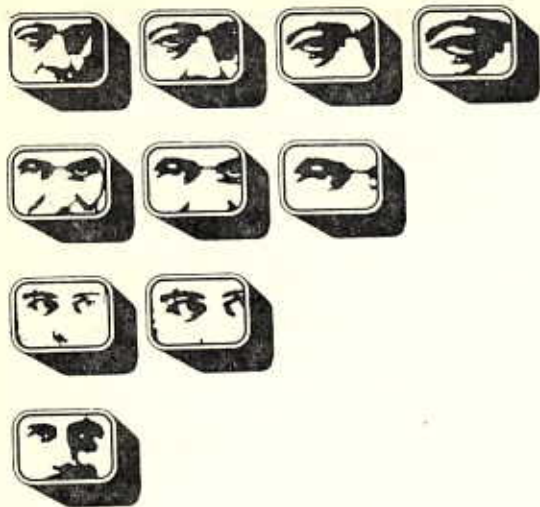
اکنون بجا است ببینیم که انسان‌شناسان و مردم‌شناسان امروزه چه برداشتی از تحقیقات خود دارند . و فیلم‌های مردمنگاری چه جهتی گرفته‌اند . از ربع دوم قرن بیستم ، به‌ویژه بعد از جنگ دوم جهانی ، مطالعه «جالب‌ترین» و «شگفت‌ترین» پدیده‌های زندگی مردم جای خود را به بررسی «رایج‌ترین» و «عادی‌ترین» داده‌است و از قضاوت‌های ارزشی سخت پرهیز می‌شود . امروز کوشش مردم‌شناسی بر این است که حتی المقدور به واقعیات زندگی مردم نزدیک شود . ولی تجربه نشان داده است که به دست آوردن واقعیات ، به‌ویژه در علوم اجتماعی که با مردم سروکار دارد ، کاری است مشکل . توصیف و یا فیلمبرداری از شیوه زندگی و الگوهای رفتار از دیدگاه‌های مختلف غالباً به نتایج متفاوت می‌رسد . زیرا آنچه ما می‌بینیم

۳ - کتاب کوپر یادداشت‌های روزانه سفر طولانی او با عشایر طایفه بابااحمدی ایل بخنباری است . بدیهی است که در این سفر تمام حواس نگارنده متوجه صحنه‌هایی بوده که در روز فیلم گرفته است و ، بساقت ، این کتاب داستان فیلم «علف» است که بعد از تهیه فیلم فراهم آمده است .

به شدت زیر تأثیر آنچه می‌جوئیم قرار دارد. زمینه نظری و جهت فکری ما واقعیات را متفاوت جلوه می‌دهد. حتی مردم‌شناسانی که با زمینه‌های نظری مشابه به تحقیق دربارهٔ يك موضوع پرداخته‌اند اغلب، به‌خاطر داشتن جهت‌های فکری متفاوت، به نتیجه‌های گوناگون و گاه متضاد رسیده‌اند. در این زمینه در حوزهٔ تحقیقات انسان‌شناسی شواهد متعدد وجود دارد. ولی این بدان معنی نیست که ما از کوشش در راه شناخت واقعیات، هرچقدر هم که نسبی باشند، سر باز زنیم. بدیهی است که این شناخت خود به‌خود حاصل نمی‌شود. در انسان‌شناسی، مانند هر علم دیگری، باید با مفاهیم و نظریه‌های آنان آشنا بود و باید ابزار و روشهای آن‌را دانست.

وقتی با انسان‌شناسی آشنا بودیم می‌بینیم که رفتارهای مردم متعلق به يك فرهنگ رفتارهای اتفاقی و نامربوط نیست. از راه تحقیق حتی می‌توانیم رفتار مردم را در هر موقعیت پیش‌بینی کنیم. به بیان دیگر رفتارها در داخل چارچوب یا، به زبان انسان‌شناسی، الگوئی صورت می‌گیرند و بین الگوهای رفتار ارتباطی برقرار است و پدیده‌های اجتماعی با نظم و ویژه‌ای به یکدیگر وابسته‌اند و تداوم و تقدم و تأخری دارند.

در تهیهٔ فیلمهای مردم‌نگاری توجه به این نظام بهم مرتبط و متداوم پدیده‌ها ضروری است. بدیهی است که نمی‌توان همهٔ جنبه‌های زندگی جامعه‌ای را، هرچقدر هم که کوچک باشد، بر روی تصویر فیلم آورد. همانطور که تحقیقات مردم‌نگاری نیز چنین ادعائی ندارد. انتخاب در هر دو حال ضروری است ولی هنگامی که يك پدیدهٔ اجتماعی را برای تحقیق و سپس فیلمبرداری انتخاب کردیم باید به نظام بهم مرتبط و مداوم آن پدیده وفادار بمانیم. اگر برای مثال به پدیدهٔ کوچ عشایر برگردیم، به شرطی که با زندگی ایلی آشنائی داشته باشیم، می‌دانیم که



مردم‌نگاری و مطالعات فرهنگی
علوم انسانی

۳ - تحقیق دربارهٔ يك پدیده از طریق مشاهدهٔ فیلم ، یا بررسی تطبیقی دربارهٔ يك پدیدهٔ اجتماعی در جامعه‌های مختلف^۴ .

۴ - نمایش فیلم برای عامهٔ مردم، خواه برای آشناساختن آنها با پاره‌فرهنگهای (sub-cultures) جامعهٔ خودی و خواه برای مردم جامعه‌های دیگر . چنانکه می‌بینیم هرگونه دست بردن سنجیده یا نسنجیده در واقعیات انحراف‌آمیز است .

در اینجا توجه به تدوین فیلمهای مردمنگاری و اینکه چگونه و تا چه اندازه ما حق داریم ، به خاطر رعایت اختصار ، فیلم را به دست قیچی تدوین‌کننده بدهیم ضروری است . تدوین به‌ویژه در فیلم‌هایی که با تکنولوژی ویا آفرینش يك اثر هنری سروکار دارند کاری است پس مشکل ، فرض کنیم فیلمی از نحوهٔ قالی‌بافی گرفته‌ایم . فیلمبردار و تدوین‌کننده هر دو می‌بایست با فنون قالی‌بافی و زمان نسی که هر حرکت انگشت و دست در مجموعه دارد آشنا باشند و صدها می‌بایست و می‌باید دیگر . . .

حتی نحوهٔ نصب سیاه‌چادر در گرمسیر و در کوچ و در سردسیر متفاوت است . می‌دانیم که به‌هنگام کوچ و حرکت کسی فرصت نمی‌نواختن و سرنا زدن ندارد ؛ همانطور که کسی آواز هم نمی‌خواند . بنابراین گذاردن سفونی شهرزاد روی فیلم «علف» همانقدر دور از واقعیت است که گذاردن نوای پیانو یا نی و آوازی که در استودیوها پر شده است روی فیلمهای مشابه .

اگر به هدفهای تهیهٔ فیلم مردمنگاری توجه کنیم بهتر می‌توانیم دریابیم که دست بردن در واقعیات تا چه اندازه گمراه‌کننده و اشتباه‌انگیز است . هدفهای فیلم مردمنگاری را می‌توان به‌طریق زیر خلاصه کرد:
۱ - ضبط پدیده‌هایی از فرهنگ يك جامعه که در معرض تغییر و تحول است .

۲ - تدریس . در این مورد فیلم کمکی به تحقیق و تدریس است برای آشناساختن دانشجویان با واقعیات فرهنگ جامعهٔ خود آنها یا جامعه‌های دیگر .

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۴ - چند سال است که عده‌ای از استادان انسان‌شناسی دانشگاه کلمبیا - نیویورک از طریق فیلمهای مستند رقص عشایر به بررسی فرهنگ‌آبلی در جامعه‌های مختلف پرداخته‌اند .